

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

## در صفحات دیگر:

با فعالیت های سندیکائی زحمتکشان جهان

آشنا شویم

درس سوم:

طبقه سرمایه دار و انحصارات

درس چهارم:

قشرهای متوسط غیر مزدبگیر

صفحه (۲)



## زنده باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران وزحمتکشان جهان

زمینه های مادی و معنوی اتحاد طبقه کارگر

پیش از پیدایش طبقه کارگر در عصر تولید و فناسبات اجتماعی رهایی زحمتکشان جهان از قید ظلم و استثمات ناممکن بود شکل تولید اجتماعی در نظام های پیش از تولید سرمایه داری چنان بود که امکان نمیداد زحمتکشان در مقیاس ملی وجهانی گرد هم آیند و با تنظیم برنامه عمل واحد مبارزه قدرتی رهبری جامعه را به دست گیرند و فرمانروایان جا بجا استثمات را بر سر کار میباشند

با پیدایش عناصر تولید سرمایه داری و سپس نظام سرمایه داری زمینه های مادی و معنوی اتحاد کارگران و زحمتکشان در ابعاد مختلف فراهم می آید کارگران به علت تبدیل شدن نیروی کارشان به کالا در بازار ملی سرمایه داری و کار در زیر یک سقف بطور مادی و معنوی با یکدیگر پیوند می یابند و مبارزه آنان ضرورتاً شکل یگانه، متشکل و آگاهانه میگیرد

- خشم و اندوه (شعر) محمود درویش صفحه (۵)
- بهار آمده است (شعر) جعفر کوش آبادی صفحه (۵)
- آب (داستان) یوری تریفونوف صفحه (۲)

## درسی از انقلاب پرتغال

پرتغال کشوری است در جنوب غربی اروپا که در بخش غربی شبه جزیره ایبری و در جزایر آزور و مادیرا (اقیانوس اطلس) دامن گسترده است. ۹۱/۵ هزار کیلومتر مربع وسعت و ۲/۲ میلیون نفر (سال ۱۹۷۲) جمعیت دارد

## هشدار!

یک ماجراجویی احمقانه و بی خطرناک که می توانست مقدّمه فاجعه ای به مقیاس جهانی باشد از سوی آمریکا جنایتکار در ایران صورت گرفت و خوشبختانه، به اعتراف خود کارتر، با شکست مفتضحانه ای روبرو شد. فرمانروای عقل باخته کاخ سفید در مضاجبه روز جمعه شام مدعی گشت که به حکم بشر و مستی و برای نجات پنجاه گروگان آمریکائی در ستور چنین اقداماتی را داده است و همه مسئولیت آن را به گردن میگیرد. سپس هم در نهایت پیشروی افزود که در همین زمینه با زبانه های امداد دیگری دست خواهد زد

گرچه، تا لحظه ای که این چند سطر بر کاغذ می آید، چند و چون ماجرا و ابعاد حقیقی آن بد رستی معلوم نیست، همینقدر میتوان دانست که یک نیروی هوا برد آمریکائی در منطقه در و افتاد و تقریباً خالی از سکنه کوپرلوت، در ریبا با نهایی نزد یک طبس، فرود آمد. به گفته منابع آمریکائی که خود خبر شکست این عملیات را بر اثر برخورد و هوا پیمایان داده اند، همه افراد نیروی مد اخله گر، بجز هشت تن که کشته شدند، زخمی ها را برداشته به پایگاه خود بازگشتند. اما از گفته مقامات ایرانی که بعد از زحمتها خبر شده به جستجو پرداخته اند، برمی آید که گذشته از و هوا پیمای آتش گرفته، پنج هلیکوپتر و گروهی از سربازان آمریکائی در محل هستند و نیروی ارتش و ژاندارم و پاسبان برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

برای دستگیری شان بسیج شده است

حدس قریب به یقین آن است که این ماجرا نخستین تمرین عملی "سپاه واکنش سریع" آمریکائی بود: آنهم نه برای نجات جاسوسان به گروگان گرفته ای که در تهران هستند، بلکه برای ایجاد سرپل یک تهاجم گسترده در ایران. خود انتخاب محل فرود هوا پیمایان مهاجم نشان دهنده وسعت نقشه ای است که می بایست به اجرا در آید: جایی که به علت در و افتادگی، ناچیز بودن تراکم جمعیت و قوا، ارتش و پاسبان در محل و کمی کشتن جادوها، امکان برخورد با مقاومت جدی از سوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نمی توانست در میان باشد. مهاجمان می بایست فرصت آن بیابند که به فراغ بال در محل استقرار یابند و

رژیم داد سخن دادند و در پی آن بودند که حالت انتظار و انفعال را در مردم تقویت تکیه که با اجتماعی رژیم را وسعت بخشند، از گسترش و تشدید پیکارهای طبقاتی جلوگیری نمایند، عناصر متزلزل اپوزیسیون (مخالف رژیم) را به همکاری بکشاند و حزب کمونیست را کمیکان حزب متشکل بود از اپوزیسیون جدا سازند

حزب کمونیست پرتغال که رسال ۱۹۲۱ تا سیس شد و از سال ۱۹۲۶ فعالیت

بقیه در صفحه ۲

## فکر ماشین چیست؟

از زمانی که کیفیت فعالیت فیزیولوژیک در روند فکری آشکار شد، انسان توانست به این واقعیت پی ببرد که ماهیت و مفهوم فعالیت های مشابه فکر چیست. این فعالیت ها توسط دستگاههایی صورت می گیرد که در اساس با فکر تفاوت دارند و اکنون به غلط آنها را "ماشین های متفکر" و کارکردشان را "فکر ماشین" می خوانند

بقیه در صفحه ۵

## فکر ماشین چیست؟

شورای همیاری اقتصادی به تصویب رسید، محول گردید است. شورای همیاری اقتصادی در یکپارگی جمع ساد، اقتصاد ملی نیست بلکه سیستمی همپوند است که در رون آن نرخ تکمیلی کار اجتماعی بین المللی بطور روز افزون بالا میرود

بقیه در صفحه ۳

## دستاورد های سی سال

## فعالیت در جبهه تقسیم کار بین المللی ضد امپریالیسم

جامعه سوسیالیستی امروز پویا ترین بخش اقتصاد جهانی را تشکیل میدهد. طی سه دهه، اعضا این جامعه نتایج درخشان و برجسته ای در قلمرو رشد اقتصادی و اجتماعی به دست آوردند

بقیه در صفحه ۸



### دروس سوم: طبقه سرمایه دار و انحصارات

طبقه سرمایه دار ربر طبقه کارگر قرار دارد. این طبقه از مالکان و وسایل تولید تشکیل میشود. آنان نیروی کار مزد بگیر را به کار می گیرند و آن را استثمار میکنند.

طبقه سرمایه دار متشکل از:

- مالکان معادن، کارگاههای ساختمانی، کارخانهها، وسایل حمل و نقل، بانکها، شرکت های بیمه و غیره...
- کشاورزان و ولت مند که نیروی کار مزد بگیر را مورد استثمار قرار میدهند (حتی اگر مالک زمین نباشند).
- بازرگانان و ولت مند که تعدادی بالنسبه زیاد از افراد را به خدمت میگیرند.
- مالکان ارضی (آنها که مالک زمین اند و بهره این زمینها را دریافت میکنند) و مالکان اموال غیر منقول.
- مدیران شرکتها و کارمندان.
- مدیران شرکتها و کارمندان پهنند پایه حقوق گزاف و مشغله های مدیریت شان مانع از ایفای نقش احتمالی شان در تولید میگردد.

تعداد سرمایه داران فرانسه در بخش صنعت و تجارت طبق آخرین آمار که در سال ۱۹۶۸ استخراج شد با وجود ناقص بودن از این قرار است:

- \* سرمایه داران بخش صنعت ۷۹۱۶۰
- \* سرمایه داران بخش تجارت ۲۱۳۵۰

طبقه سرمایه دار طبقه استثمارگر است. در حقیقت مالکان وسایل اجتماعی تولید یعنی سرمایه داران، کسانی را که از این وسایل محروم اند به نفع خود به کار می آورند و بخش مهمی از ارزشها (سودها) حاصله را برداشت میکنند.

تحول خاص نظام سرمایه داری به تمرکز وسایل تولید در دست عددهای بسیار محدود سرمایه داران انجام میدهد و موجب طبقه بندی عمیق و بروز تضاد هائی در میان این طبقه میگردد.

بر این اساس برخی سرمایه داران تعداد کمی از مزد بگیران را به خدمت میگیرند و سایرین که با انحصارات نیرومند

هستند، اهمیهای اساسی فرمانروائی بر اقتصاد و سیاست را به دست می آورند.

#### انحصارات

سرمایه داران قرن گذشت به منظور قبضه کردن بازارها برای فروش کالا های خود در محل های جدید میکوشیدند تولیدات خود را ضمن کاهش بهای تمام شد میاد برخی موارد کاهش قیمت فروش به حد اکثر برسانند.

البته تنها آنها نیستند که بالنسبه نیرومند بودند یا ذخیره های مالی شان تا اندازه ای زیاد بود، میتوانستند این سیاست توسعه طلبانه را به مرحله عمل در آورند.

بدین ترتیب، موسسات خیلی کوچک یا ضعیف به شکل از بین میرفتند: یابی قید و شرط منحل می شدند و بیاد ر موسسات بسیار نیرومند جذب میشدند.

بانکهای بزرگ نقش مهمی در روند تمرکز ایفا کردند.

#### قدرت انحصارات

بر اساس روند تمرکز مورد بحث موسسات سرمایه داری غول پیگیری بوجود آمدند که امروزه آنها را انحصارات مینامند.

چند نمونه: زیر روند انحصاری شدن رادرفرانسه نشان میدهند:

- \* صنایع شیمی و الیاف مصنوعی.
- مهمترین گروه رارون - پلن تشکیل میدهند. رقم کل عملکرد این انحصار در ۱۹۶۴، ۵۲۶۷ میلیون فرانک بود. کارکنان این انحصار ۱۰۳۰۰ نفر است.
- این گروه که خود به تنهایی ۴۵ کارخانه و آزمایشگاه را اختیار دارد نخستین گروه فرانسوی در محصولات دارویی است و تقریباً تمام تولید ملی الیاف مصنوعی (نایلون، ترگال، رودیا، کریلور، روویل و غیره) را تامین میکند.

#### \* تولید فولاد:

در ۱۹۶۵ چهارموسسه عمده فرانسه در این رشته فعالیت میکردند:

- اوزینور
- دووندل
- با شعبه های خود تقریباً ۶۵ درصد تولید فولاد را در دست داشت.
- سید لور
- لورن - اسکوت
- پس از ادغام (اوزینور) با (لورن - اسکوت) و (دووندل) با سید لور ۷۰ درصد تولید ملی فولاد در کنترل و بینگاه ترازه - تاسیس قرار گرفت.

\* آلومینیوم:

- ۸۰ درصد تولید ملی را در دست دارد.
- ۲۰ درصد تولید ملی

۱۰۰ درصد تجارت این تولید را در دست دارد.

\* الکترونیک:

۸۵٪ بازارها را در دست د و موسسه استقرار دارد.

### درس چهارم:

#### قشرهای متوسط غیر مزد بگیر

علاوه بر طبقه اساسی کارگرو سرمایه ارقشرهای دیگری اجتماعی غیر مزد بگیر وجود دارند که آنها را زیر نام "طبقات متوسط" قرار میدهم. آنها که از گروه های مختلف تشکیل میشوند بطور اساسی عبارتند از:

- د هقانان منفرد، اجاره داران خرد و پانصه کارانی که بدون استفاده از نیروی کار مزد بگیر روی زمینها کار میکنند. آنها در ۱۹۶۲ با کارکنان خانوادگی شان ۵۵٪ روستائیان را تشکیل میدادند.
- د هقانانی که تعداد خیلی ناچیزی از مزد بگیران را به خدمت میگیرند و آنها را استثمار میکنند. در ۱۹۶۲ آنها ۴۳٪ روستائیان را تشکیل میدادند.
- پیشه ورانی که بدون مزد بگیر هستند یا مزد بگیران اندکی دارند. در ۱۹۶۸ تعداد ۵۷۶۰۰۰ نفر و تعداد کارکنان خانوادگی ۴۰۰۰۰ نفر بود.
- بازرگانان خرد فروشی که بدون مزد بگیرند یا مزد بگیران اندکی دارند. در ۱۹۶۸ تعداد آنها ۷۸۶۰۰۰ نفر و تعداد کارکنان خانوادگی ۲۴۲۰۰۰ نفر بود.
- حرفه های آزاد به تعداد ۴۰۰۰۰ نفر (وگلا، معماران، پزشکان و غیره) و روشنفکران غیر مزد بگیر (نویسندگان حرفه ای، هنرمندان و غیره).
- با اینهمه، علیرغم تنوع فوق العاده آنان، بین این قشرهای متفاوت اجتماعی نقاط مشترکی وجود دارد.
- غالباً افراد وابسته به طبقات متوسط از مالکیت برخوردارند یا از ابزارهای تولید، آفرینش و توزیع بهره مند هستند. این امر موجب میشود که آنها در موقعیت مزد بگیران نباشند. اما از آنجا که این وسایل محدود و فردی هستند، از این رو، آنها نمیتوانند تعداد بزرگی از مزد بگیران را استثمار کنند. به همین جهت آنها ناچارند برای زیستن کار کنند.
- نقطه مشترک عمومی ترین قشرها نا پایداری موقعیت اجتماعی آنهاست. برخی از گروهها (پیشه وران و بویژه هقانان خرد و پانصه) به واسطه رقابت و تراکم در معرض نابودی قرار دارند. برخی دیگر به نسبت لزوم کلی شان باقی میمانند (مثل داد و ستد های کوچک). برخی هم در خارج از تولید بزرگ سرمایه داری بوجود می آیند و در خدمت سرمایه فعالیت های معینی انجام میدهند (پیشه های حفظ و نگاهداری وسایل معیشت، توزیع ها، مقاطعه کاریهای کوچک و غیره).

نقطه عطف مرحله اول این کوششها با کشف توطئه کودتای ژنرال اسپینولا و طرد وی از ریاست جمهوری در ۱۱ مارس ۱۹۷۵ به پیروزی نیروهای متحد د مکر اتیک انجامید.

اقداماتی که بلافاصله پس از ۱۱ مارس ۱۹۷۵ ابوسله چهارمین و پنجمین دولت موقت به ریاست ژنرال واسکو گونزالوس وینا برهنمود شورای انقلاب انجام گرفت عزم جزم دولت را در این مورد نشان داد.

بانکهای بزرگ، شرکت های بیمه، ۴۰ بنگاه بزرگ تولید و توزیع نیروی برق، پالایشگاهها و اکثریت شرکت های فروش نفت و مواد نفتی، صنایع دخانیات و سلولز، خط سوط و تاسیسات راه آهن، صنایع فلزکاری، دو شرکت بزرگ کشتیرانی و یک شرکت هواپیمائی ملی شدند. از سوی دیگر دولت موقت د سه به اجرای یک سلسله اصلاحات ارضی ریشه ای زد. بدیهی است که این اقدامات بورژوازی بزرگ پرتغال و ارتجاع بین المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را سخت به وحشت انداخت.

#### ضد انقلاب و چرخش به راست

تعرض جدید ضد انقلاب از ژوئیه ۱۹۷۵ آغاز شد. حمله مسلحانه به مراکز حزب کمونیست و سایر سازمانهای مترقی زد و خورد های خیابانی، ترور کمونیست ها

بقیه در صفحه ۸

۲۵ آوریل بجز سل زمان منفورانیت تکیه گاه دیگری برای رژیم باقی نماند.

#### تحولات د مکر اتیک در پرتغال

بد نیال قیام ۲۵ آوریل تحولات د مکر اتیک د ر پرتغال آغاز گشت. د حکومت موقتی که تشکیل شد، کمونیستها، سوسیالیستها، جنبش د مکر اتیک و کاتولیک های مترقی شرکت داشتند. آلوار کوئیال د بییر کل حزب کمونیست به سمت وزیر مشاور و رویک کمونیست جوان ۳۵ ساله که از سازمان د هندگان جنبش مطالباتی زحمتکشان بود، به سمت وزیر کار برگزید ه شد.

از همان آغاز انقلاب روشن بود که ارتجاع داخلی پرتغال و دستیاران امپریالیست آن به آسانی تن به از دست دادن قدرت سیاسی پنجاه ساله ای که در ریشه های رژیم فاشیستی اعمال میکردند، نمی دهند.

بورژوازی بزرگ پرتغال، انحصارهای د ر آمیخته، سرمایه مالی و ملاکان بزرگ، یعنی قشرهایی که با سقوط فاشیسم قدرت سیاسی را از دست دادند، با تمام نیرو به پشتیبانی امپریالیسم و ارتجاع جهانی فعالیت خود را برای منحرف کردن انقلاب پرتغال، و فراهم آوردن زمینه استقرار مجدد د یکتا توری سرمایه داری آغاز کردند.

بحرانهای سیاسی بی دریگی که از زمان انقلاب تاکنون ادامه یافته نتیجه فعالیت این نیروهاست.

رامی بلعید، سیزده سال جنگ مستعمراتی هیجان نیرومندی در صفوف ارتش بدید آورد. هیجان محافل نظامی بتدریج به بانگهای اعتراض و سپس تمرد و طغیان آشکار بدل گردید. افسران که در ریاضات جنگ مستعمراتی گیر کرده بودند متحد تهووخ از جنگ بیزار بودند د دیگر تحمل آنرا نداشتند که مسئول شکستهای سیاسی رژیم قلمداد شوند. از سوی دیگر نیا زبانه افسران و سربازان جدید عد روز افزونی از مخالفان رژیم را که از تجارب سیاسی برخوردار بودند وارد صفوف ارتش کرد. د ر پرتغال نیروهای انقلابی از جمله کمونیستها د و طلبان وارد ارتش میشدند و یکا ر تبلیغ و سازماندهی دست میزدند. در نتیجه فعالیت عناصر مترقی جنبش نیروهای مسلح که جنبش سروانان نیز نامیده میشود سازمان یافت. د ر این جنبش بطور عمد قشرهای متوسط افسران شرکت داشتند. د ر آغاز عناصری چون ژنرال اسپینولا نیز خود را در صفوف جنبش نیروهای مسلح جا زدند.

بد نیال برکناری ژنرال گوستا وگومش و ژنرال اسپینولا معاون وی و سپس بازداشت عد ها افسر و سرباز بوسیله دولت کائتانو نتیجه ای جز تشدید نا رضایتی ارتش نداشت.

مجموعه این تحولات باعث منفرد شدن رژیم فاشیستی بگونه ای گردید که در آستانه نقیام

#### بقیه: درسی از انقلاب پرتغال

مخفی خود را آغاز کرد مبد به افشای عوام فریبی های لیبرال منشانه حکومت کائتانو در عین حال مبارزه با انحراف سکنارستی پاپ روانه ر جنبش انقلابی پرتغال پرداخت. چپ روانه ر جنبش انقلابی پرتغال برخاست. ۳۰ آوانته ۳ رگان مرکزی حزب که ۳۳ سال متوالی بطور پنهانی انتشار می یافت د رگسترش مبارزه مردم نقش قطعی ایفا نمود. مبارزه د مکر اتیک ر به اعتلاء میرفت. موج نمایشات خیابانیها راد رمی نوردید.

اوج گیری جنبش د مکر اتیک در ارتباط با یکا رهائی بخش ملی د ر مستعمرات عمدترین نقطه ضعف حکومت فاشیستی پرتغال مسئله مستعمرات بود. هنگامی که اعتلاء جنبش رهائی بخش ملی د ر قاره آفریقا د ولت های استعمارگر نیرومند تر (انگلیس، فرانسه، هلند) را مجبور ساخت تا بنحوی از انحاء به استقلال مستعمرات خویش تن د رد دهند، رژیم فاشیستی پرتغال با چنگ و دندان به مستعمرات خود چسبید مبد، برای سرکوب جنبش پارتیزانی آنگولا موزامبیک و گینه بیسائو که د آغاز سالهای ۱۹۶۰ اپدید آمد ارتش ۲۰ هزار نفری بسیج گردید که بیش از ۴۰ بود جه کشور

## دستاورد های سی سال

۱۹۷۸ در بلغارستان ۱۰، در مجارستان ۴/۷، در جمهوری د مکراتیک آلمان ۵/۹، در مغولستان ۵/۷، در لهستان ۶/۹، در رومانی ۱۳، در اتحاد شوروی ۱/۸ بود رچکسلاواکی ۴/۷ برابر افزایش یافته است.

در مجموع کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد در آمد ملی به موهبت بالا رفتن بهره وری کارطی این دوره ۶/۷ بار فزونی یافته است.

در اغلب کشورهای روند مد اومصنعتی شدن و مد رنیزه کردن تولید بطور اساسی ساختار اقتصاد دراد گرگون ساخته است. کشورهای کم رشد صنعتی شده اند. در فاصله ۱۹۵۰ و ۱۹۷۸ سهم صنعت و ساختمان در درآمد ملی بلغارستان از ۴۳٪ به ۶۲٪، در مجارستان از ۱/۳۵ به ۵۹٪، در رومانی از ۴۹٪ به ۶۸٪، در مغولستان از ۳۳٪ به ۶۴٪، در رومانی از ۶۹٪ به ۸۳٪، در لهستان از ۶۷٪ به ۸۶٪، در رومانی از ۶۷٪ به ۸۶٪، در رومانی از ۶۷٪ به ۸۶٪.

### قدرت فزاینده صنعتی

دوره ای که سپری شد برای رشد صنایع کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد که بخش مهم اقتصاد شان را تشکیل میدهد، اهمیت بسیار زیاد دارد. تولید صنعتی از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۸ در بلغارستان ۲۲، در مجارستان ۸/۳، در جمهوری د مکراتیک آلمان ۸/۴، در مغولستان ۱۳، در لهستان ۱۴، در رومانی ۲۹، در اتحاد شوروی ۱۱ و در رچکسلاواکی ۶۹ برابر افزایش یافته است. در جمهوری کوبا، تولید کل در ۱۹۷۸، ۱۹۷۲ درصد بیشتر از سال ۱۹۷۰ بود.

در مجموع، تولید صنعتی کشورهای عضو در فاصله ۱۹۵۱ و ۱۹۷۸، ۱۲ برابر افزایش یافت و این میزان بانخ سالیانه ۹/۲ درصد در برابر متوسط جهانی ۳/۳ درصد مطابقت دارد. انقلاب علمی و فنی همواره تاثیر بیشتری در رشد صنایع میگذارد. در سالهای اخیر، اکثریت کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد به رشد ماشین سازی، صنعت شیمی، مخصوصاً به الکترونیک، ماشین ابزارها، ابزار دقیق و پتروشیمی توجه زیادی معطوف داشته اند.

قدرت صنعتی شورای همیاری اقتصاد در فترات از ایالات متحده یا اروپای باختری است. جامعه سوسیالیستی تنها یک دهم جمعیت زمین را در بر میگردد و کمتر از یک تن از سه تن، دوتن کودهای شیمیائی از پنج تن، یک چهارم مواد متالورژیک تولید جهانی را تولید نمیکند.

جدول زیر سهم شورای همیاری اقتصاد در تولید جهانی محصولات عمده صنعتی نشان میدهد (به %).

| ۱۹۷۸ | ۱۹۵۰ |                           |
|------|------|---------------------------|
| ۲۱/۸ | ۱۳/۷ | انرژی برق                 |
| ۳۱/۰ | *    | زغال سنگ                  |
| ۱۹/۹ | ۸/۴  | تفت                       |
| ۲۹/۸ | ۴/۸  | گاز طبیعی                 |
| ۳۰/۶ | ۱۸/۷ | فولاد                     |
| ۶/۵  | ۱/۲  | اتومبیل های جها نگردي     |
| ۳۷/۳ | ۲۰/۷ | کودهای شیمیائی            |
| ۱۳/۲ | *    | مواد پلاستیک و صمغ سنتتیک |
| ۱۵/۸ | ۱۰/۴ | فیبرهای مصنوعی            |
| ۲۵/۷ | ۱۳/۸ | سیمان                     |
| ۲۷/۲ | ۱۵/۵ | شکر (شکر سفید)            |

\* داده های دقیقی در دست نیست.

کوشش متمرکز در بالا بردن بازدهی تولید اجتماعی، معمول نمودن تازه ترین وسایل و تکنولوژی، ویژه کاری و تکمیل تولیدات بین ۱۹۵۱ و ۱۹۷۸ بهره وری کار را در صنعت بطور قابل ملاحظه ای افزایش داد. این افزایش در بلغارستان ۲/۶، در مجارستان ۳/۹، در جمهوری د مکراتیک آلمان ۵/۸، در مغولستان ۳/۲، در لهستان ۳/۶، در رومانی ۴/۸، در اتحاد شوروی ۵/۸ و در رچکسلاواکی ۸/۴ بار بوده است. در حال حاضر، کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد به موهبت بالا بودن بهره وری کار تقریباً ۸۰٪ رشد تولید صنعتی را در دست دارند.

| ۱۹۷۸                 | ۱۹۶۰ |                 |
|----------------------|------|-----------------|
| ۲۱۱                  | -    | بلغارستان       |
| ۲۶۶                  | ۴    | مجارستان        |
| ۳۷۷                  | ۲۲   | آلمان د مکراتیک |
| ۸۹                   | -    | لهستان          |
| ۲۲۶                  | ۱۰   | شوروی           |
| بیش از ۲۹۰           | ۳۳   | چکسلواکی        |
| <b>ماشین رختشویی</b> |      |                 |
| ۲۰۴                  | -    | بلغارستان       |
| ۲۸۵                  | ۴۵   | مجارستان        |
| ۳۰۱                  | ۲۲   | آلمان د مکراتیک |
| ۹۵                   | -    | لهستان          |
| ۲۰۳                  | ۱۳   | شوروی           |
| بیش از ۴۰۰           | ۱۶۷  | چکسلواکی        |
| <b>تلویزیون</b>      |      |                 |
| ۲۱۸                  | -    | بلغارستان       |
| ۲۴۶                  | ۱۰   | مجارستان        |
| ۳۳۱                  | ۶۰   | آلمان د مکراتیک |
| ۹۹                   | -    | لهستان          |
| ۲۴۰                  | ۲۲   | شوروی           |
| بیش از ۳۳۰           | ۶۲   | چکسلواکی        |

خانه سازی یکی از شاخص های عمده رشد رفاه زحمتکشان جامعه سوسیالیستی است.

شورای همیاری اقتصاد تقریباً به اندازه بازار مشترک و ایالات متحده آمریکا در مجموع خانه می سازد.

جدول زیر رشد خانه سازی در کشورهای مختلف را نشان می دهد (تعداد خانه های ساخته شده برای هر ۱۰۰۰ نفر):

| ۱۹۷۸ | ۱۹۵۰ |                 |
|------|------|-----------------|
| ۸۰   | ۶۰   | اتحاد شوروی     |
| ۷۵   | -    | بلغارستان       |
| ۸۲   | ۳۸   | مجارستان        |
| ۶۷   | ۱۷   | آلمان د مکراتیک |
| ۸۳   | ۲۴   | لهستان          |
| ۷۶   | ۳۰   | رومانی          |
| ۸۵   | ۳۱   | چکسلواکی        |
| ۵۰   | ۶۷   | اتریش           |
| ۷۹   | ۵۲   | بلژیک           |
| ۵۶   | ۴۲   | بریتانیا ی کبیر |
| ۶۶   | ۴۸   | دانمارک         |
| ۲۷   | ۱۶   | ایتالیا         |
| ۷۹   | ۶۵   | کانادا          |
| ۷۶   | ۱۳۷  | ایالات متحده    |
| ۷۰   | ۷۷   | آلمان فدرال     |
| ۸۳   | ۱۷   | فرانسه          |
| ۶۸   | ۶۴   | سوئد            |

### افزایش سهم کشورهای سوسیالیستی در تولید صنعتی جهان

| کمتر از ۳%  | ۱۹۱۷ |  |
|-------------|------|--|
| تقریباً ۵%  | ۱۹۲۸ |  |
| نزدیک ۱۰%   | ۱۹۳۷ |  |
| تقریباً ۲۰% | ۱۹۵۰ |  |
| بیش از ۴۰%  | ۱۹۷۸ |  |

میزان آن در سالهای پنجاه ۵۵٪ بود. ما است.

در ۱۹۷۸، جامعه سوسیالیستی ۶۱۴ میلیارد کیلووات ساعت انرژی برق تولید نمود. این رقم ۱۲ بار بیشتر از سال ۱۹۵۰ و تقریباً برابر با ۲۲٪ تولید جهانی است.

ماشین سازی با پویا ترین رشد روبه رو بود. ما است. طی ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۸ تولید آن به ۳۰ برابر رسید. این رقم ۲/۵ بار زیاد تر از نرخ رشد متوسط تولید صنعتی است.

سهم کشورهای سوسیالیستی در تولید جهان در پایان سالهای ۷۰



اعضای شورای همیاری اقتصاد از حیث تولید سرانه محصولات پایه در ردیف کشورهای گروه مقدم اند.

کشاورزی نیز با تغییرات بنیاد روبه رو بوده است. رشد این بخش به موهبت بی ریزی تولید بزرگ جمعی سوسیالیستی، تحکیم مداوم پایه های فنی و افزایش بهره وری کار تا مین شده است. تولید کل کشاورزی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد در بطور متوسط طی سی سال دو و نیم برابر افزایش یافته است. در ۱۹۷۸ - ۱۹۷۶ مجموع محصول غله و بقولات بطور متوسط تقریباً ۳۰۰ میلیون تن بود. ما است. این رقم ۳/۲ بار بیشتر از محصول سالیانه متوسط ۱۹۵۱ - ۱۹۵۰ است.

رشد محصولات دیگر نیز زیاد بود. ما است: چنانکه چغندر قند تقریباً سه بار، دانه های روغنی ۳/۲ بار، گوشت نسبت به ۱۹۵۰ ۳ بار (۲۵ میلیون تن در ۱۹۷۸)، شیر ۴/۲ بار (۱۳۵/۵ میلیون تن)، تخم مرغ ۷/۴ بار (۹۶/۶ میلیارد دانه) افزایش یافته است. جامعه سوسیالیستی میتواند با تهیه ۲۰ و ۳۰ درصد تولیدات جهانی گوشت، قند و کره، نیازهای غذایی جمعیت خود (یعنی تقریباً نزدیک به ۱۰٪ نیازهای غذایی جهان) را تامین نماید.

### سطح رفاه مردم

سیاست اقتصاد و اجتماعی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد معطوف به تامین نیازهای مادی و معنوی فزاینده مردم است. در آمد ملی همواره سریعتر از جمعیت افزایش می یابد و این امر پایه بهره رستی دائمی زحمتکشان را تشکیل میدهد.

در آمد سرانه ملی بین ۱۹۵۰ و ۱۹۷۸، ۸/۵ بار در بلغارستان، ۴/۱ بار در مجارستان، ۶/۵ بار در جمهوری د مکراتیک آلمان، ۲/۸ بار در مغولستان، ۴/۹ بار در لهستان، ۹/۸ بار در رومانی، ۶/۵ بار در اتحاد شوروی و ۳/۸ بار در رچکسلاواکی افزایش یافته است.

بالا رفتن دستمزدهای واقعی کارگران و کارمندان قبل از هر چیز نمایانگر بهبود شرایط مادی مردم است. این دستمزدها در فاصله ۱۹۶۱ و ۱۹۷۸ در بلغارستان ۱/۷، در مجارستان و چکسلواکی ۱/۶، در لهستان ۱/۸ و در رومانی ۱/۱ برابر شده است. دستمزدهای واقعی کارگران و کارمندان در اتحاد شوروی طی این دوره (برای هر زحمتکش) ۱/۷ برابر افزایش یافته است.

سطح زندگی مردم در کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد به هزینه گزافهای اجتماعی و مصرف پانسیونها، کمکهای خانوادگی، بورس های تحصیلی و غیره) و هزینه گزافهای اجتماعی - فرهنگی (تربیت، فرهنگ، بهداشت و غیره) بستگی دارد. این هزینه گزافها در ۱۹۶۱ - ۱۹۷۸ در بلغارستان بیش از ۵ بار، در مجارستان ۵ بار، در جمهوری د مکراتیک آلمان ۷/۲ بار، در مغولستان ۱/۴ بار، در رومانی ۴/۸ بار، در اتحاد شوروی ۳/۹ بار، در رچکسلاواکی ۳/۳ بار و در لهستان (۱۹۷۷ - ۱۹۶۵) ۳/۶ بار افزایش یافته است.

ساختار مصرف به وجه احسن تغییر می یابد. سهم محصولات غیر خوراکی قبل از هر چیز کالا های مورد مصرف با دوام، لوازم خانگی و فرهنگی افزایش یافته است.

جدول زیر تهیه روز افزون کالاهای بادوام را از طرف اهالی به خوبی نشان می دهد (برای هر ۱۰۰۰ نفر) (داده های ۱۹۶۰ بلغارستان و لهستان در دست نیست).

# آب

## یوری تریفونوف

او به آب وجود دارد \*

در جاده پیونرنی به ینک کاروان برمیخوریم: در حد و د سی شتر. روی هم امری نادر، زیرا امروزه در بیابان بیشتر به کامیون و تراکتور میتوان برخورد تا به یک کاروان واقعی. شترها آهسته میگذرند و سرهای کوچک خود را با سرفرازی نوسان میدهند. مشته‌های پشم جابجا با پهلوه‌های موربخته‌شان دیده میشود.

عیسی اتومبیل را نگه میدارد و میگوید:

این‌ها کازاخ هستند و دنبال علف چرمیروند. اینجا در بخش باختری ترکمنستان چندین گلخسوز و کازاخ وجود دارد. در ماه‌های گرم تابستان چوپانان کازاخ و همچنین ترکمن در جستجوی سبزه و آب در ریگهای بیابان سرگردان میگردند.

ناچار باید ماند تا کاروان بگذرد.

بسته‌های چادر و قالی و لحاف و دیک و سه‌پایه دوده گرفته روی کوهان‌های شترها بار شده است و بالای همه این خرت و پرت‌ها زنان و کودکان تلو تلو میخورند عیسی میپرسد:

شما کجا میروید؟

جواب نمیدهند: آچیلوف سؤال را تکرار میکند. این بار هم بی جواب میماند. زنها که دهان‌شان زیرشال نهفته است و چشمان‌شان فرود آمده، حتی سرشان را بسوی ما بر نمیگردانند. تنها بچه‌ها ما را با چشمان کوچک سیاه و فروزان‌شان گوئی به تیر میزنند.

عیسی با لبخندی تایید آمیز میگوید:

کمره‌هستند؟

آچیلوف توضیح میدهد:

نه، از کمروئی نیست، نمیخواهند بگویند کجا میروند. سری است که باید حفظ بکنند. لابد جای خوبی را نشان کرده‌اند. جایی که آب هست...

کاروان با آهستگی تحمل ناپذیری میگذرد. ساقهای لاغر شترها، با مفاصل پشمالو، کاهل وار بالا و پائین میروند. باد سوزان بوی پشم لگد خورده با خود می‌آورد. هوا گرم و خشک است، خشکی ستوه آورنده. از اثر این گرما و این خشکی است که شترها چنین آهسته راه میروند و زنها خاموش‌اند و سرشان فرود آمده است.

آچیلوف به پیرمرد کازاخ که در عقب کاروان روی خری نشسته تاتی میکند سیگاری میدهد و فرصت را مختنم شمرده میپرسد که کاروان به کجا میروند. پیرمرد به جای جواب زیر لب چیزی به روسی میگوید:

علف هیچ نیست. شترها لاغر شده‌اند. گوسفندها لاغر شده‌اند... بگو ببینم، کانال کی خواهد آمد؟

آچیلوف یا گردن‌فرازی جواب میدهد:

به همین زودی‌ها، پیرمرد! دیگر چیزی نمانده! آب تا این ور کرامت نیاز آمده، سال دیگر اینجا خواهد بود.

در جاده کوهستانی کویت داغ به یک کامیون کمپرسی برمیخوریم. راننده با موتور در کشت و کار است. سه کارگر ترکمن در آن نزدیک نشستند و کلنگ هایشان را روی زانو دارند. آچیلوف میگوید:

بهرس از شان: کمک لازم دارند؟

عیسی که تا بخواهی تنبل است، با بیملی پائین میروند و خود شرا به راننده می‌رساند. دوفری با موتور ور میروند. من و آچیلوف هم پائین می‌جهیم، جاده با غبار سنگریزه‌هایش برق میزند. از دو سو صخره‌های بلند باد بزد ستون آسمان شده‌اند و گرمای خشکی که بسوی آهک می‌دهد از شکاف بین آنها می‌دمد. هوا مانند کوره داغ است.

کارگرها از ما آب میخواهند. آچیلوف دو بطری آب معدنی بورژوم و یک جام نقره می‌آورد.

یکی از کارگرها بدیدن بر چسب‌های رنگی بطری‌ها به شک می‌افتد و میپرسد نکند که ودکا باشد.

ودکا؟ اگر ودکا بود، خیلی وقت پیش خودمان میخوردیمش.

رفیق، میخواهی گولمان بزنی...

آچیلوف می‌خندد.

آخر، برای چه؟ شما ترکمنید، من هم ترکمنم... به اتان میگویم آب است.

یکی از کارگرها جام را میگیرد و یک جرعه با احتیاط می‌خورد. از گزندگی گاز، شکلی از خود درمی‌آورد و می‌گوید:

او، چه تند است!

کارگر دیگر هم دو جرعه سر میکشد و میگوید:

آها، تندست. انگار توی دماغ آدم را سوزن میزنند.

آن‌ها سه نفری نتوانستند کاریک بطری بورژوم را بسازند.

چه باید گفت: آیابدگمانی ساده لوحانه است، یا احترام فطری به آب که قرن‌هاست در آن‌ها ریشه دوانده و یا تجربه دیرین مبارزه با تشنگی؟

\*

پس از باران‌های بهاره، آبگیرهای طبیعی در گردی بین تپه‌های شن بیابان بوجود می‌آید و در پارهای نقاط تا مدتی دراز باقی میماند، چوپانان این آبگیرها را سخت عزیز میدانند.

یک روز من در میان شن‌ها یکی از این مخزن‌های آب را پیدا کردم. استخر بزرگی بود با آب گل‌آلود قهوه‌ای رنگ. من بعاتت نسجیده روسی خودم که هر چه دم دست می‌آید به درون آب می‌اندازیم، دم‌سوسمار کوچکی را گرفتم و در آن پرتاب کردم. این کار من ماشین وار بود، بی آنکه فکری کرده باشم. چوپان پیر ناشناسی آنجا ایستاده بود. بی سخن، کفش‌ها را از پاشا در آورد و شلوار خود را تا زانو بالا زد، آهسته وارد آب شد و بی سوسمار گشت و گرفتارش در انداخت، روی‌شن‌ها همه این کارها بخاموشی گذشت، بی آن که او نگاه می‌کرد. من بیفکند. خجلت زده شدم و فهمیدم کار ناشایستی کردم. بی بردم چه شکاف عمیقی بین بی‌اعتنائی من نسبت به این آبگیر کثیف قهوه‌ای رنگ و احترام خرد مندانده

### نتیجه:

## دستاوردهای سی سال...

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد برای گسترش بهداشت عمومی و تحکیم پایه‌های آن کارهای زیادی انجام می‌دهند. مراقبت‌های پزشکی در این کشورها رایگان است. تعداد پزشک و تخت‌خواب‌های بیمارستان مدافزایش می‌یابد.

|                | ۱۹۷۸ | ۱۹۵۰ |
|----------------|------|------|
| بلغارستان      | ۲۸/۳ | ۹/۲  |
| مجارستان       | ۲۶/۶ | ۱۰/۳ |
| آلمان دمکراتیک | ۲۴/۶ | ۱۱/۳ |
| کوبا           | ۱۸/۳ | —    |
| مغولستان       | ۲۱   | ۱/۸  |
| لهستان         | ۲۳/۳ | ۴/۶  |
| رومانی         | ۱۶/۹ | ۹/۵  |
| اتحاد شوروی    | ۳۵/۲ | ۱۴/۶ |
| چکسلواکی       | ۳۰/۲ | ۱۰/۱ |

از ۲/۷ میلیون پزشک جهان ۱/۲ میلیون در کشورهای جمعه سوسیالیستی به سر می‌برند.

تعداد پزشکان متخصص و عمومی برای هر ۱۰۰۰۰ نفر به ترتیب جدول فوق افزایش یافته است.

در کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی آموزش رایگان و همگانی است، یعنی همه گروه‌های اجتماعی را در هر سنی در بر می‌گیرد. عده زیادی از محصلین از بورس‌های تحصیلی استفاده می‌کنند.

### روابط اقتصادی باخارج

تجارت خارجی برای رشد اقتصادی شورای همیاری اقتصادی همواره مورد توجه است. در ۱۹۷۸ رقم مبادلات به ۱۷۲ میلیارد روبل افزایش یافت. این رقم ۲۰ بار بیشتر از سال ۱۹۵۰ است. مبادلات متقابل اعضای شورا طی این دوره بیش از ۲۲ بار فزونی یافت. مبادلات شورای همیاری اقتصادی با کشورهای در راه رشد ۳۲ برابر شده است. مبادلات با کشورهای سرمایه داری صنعتی بین ۱۹۵۰

پیرمرد کازاخ سرنگان میدهد و زیر لب میگوید: چه خوب!... ولی نه در صدا و نه در چشمانش شادی واقعی احساس نمیشود. مطلب خیلی ساده است، باور نمی‌کند. مانند بیشتر چوپانان این ناحیه عقیده دارد که ریگ نخواهد گذاشت که آب بیاید.

عیسی چشمکی به آچیلوف میزند و میگوید: سال دیگر برمی‌گردیم و تو را توکانال آب تنسی میدهیم. مدت‌هاست که خودت را نشسته‌ای، نه، پیرمرد؟ و هر دو می‌خندند. اثر گرد و غبار کاروان دور میشود. آخرین شتردریس تپه شنی درخلاء آسمان آبی محو میگردد.

از پیونرنی که تقریباً در نیمه راه کانال واقع است تا نیچکاسه چهار ساعت راه است. ولی ما اکنون تمام روز در راهیم. عوضی رفته‌ایم و دور چرخیده‌ایم و دوباره بسوی پیونرنی برگشته‌ایم. سرتاسر مسیر هزاران رد چرخ ماشین روی‌شن‌ها دیده میشود. راه گم کردن مشکل نیست.

ما با هیجان قلب به انتظار آب آمدن دریا هستیم. چندان دور نیست، آنجا، در یک کیلومتر ۱۹۰ ماز شهر ماری آمده‌ایم، از آنجا که حفر کانال آغاز شده است. هر چه هم دلتان بخواهد دیده‌ایم: شهرهای نوساز، پسد، پل، ارتشهایی از ماشین‌های خاکبرداری و تسطیح که در ترانشه‌های غرق در گرد و خاک می‌غزند، یک ایستگاه برق روی سد که آماده رسیدن آب و یک افتادن است، ولی تنها چیزی که ندیده‌ایم خود آب است. آب هنوز هم آن جا است، در طرف‌های مشرق، آهسته رو به ما در جریان است و خود ما هم به ملاقاتش میشتابیم. از چندین کیلومتر خنکی آب در هوای داغ محسوس است. وقتی که بالای یک تپه شنی می‌رسیم، دریاچه‌ای را در برابر خود می‌بینیم که مانند شکم پوشیده از فلس‌های برق‌میزند. آب گودالها و فرورفتگی‌ها را پر کرده است و از هر سو درختان ساق ساوول از میان آب سر برمی‌آورند. آب ولرم و زلال است. روی ریک‌های خیس ساحل اثر سم‌های گرد آهو دیده میشود. به همین زودی خبر شده‌اند و بیه آبشخور آمده‌اند. بیابان با سرعت شگرفی به آب عادت کرده است.

آواز سوت مانند پرنده‌گان آب در هوا طنین افکن است. کاکائی‌ها در آسمان می‌چرخند. بی شک ماهی هم اینجا آمده است. و چنین چیزی در ریگ‌های قره قوم کاکائی در قره قوم!

همه سو آرام است، نه آدمی دیده میشود، نه کامیون. و ماهم خاموش میمانیم. و ناگهان در نظر می‌آوریم که کار عظیم ساختمان کانال پایان یافته است و سازندگان، این مردم سرسخت که نه گرما توانسته است آنها را از پا در آورد، نه گرد باد ریگ و نه آرزوی خانه و خانواده، از اینجا رفته‌اند، بسوی کارگاه‌های ساختمانی تازه رفته‌اند و ماشین‌های غران خود را به همراه برد‌اند، اما آب مانده است و زمین آرام و پر صفا و نیک زندگی تازه‌ای روی زمین...

و ۱۹۷۸، ۱۶۵ برابر شدند. کشورهای عضو شورا با بیش از ۱۰۰ کشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین روابط ثابت بازرگانی دارند. حجم مبادلات بین شورای همیاری اقتصادی و کشورهای در راه رشد ۱۰ عملکرد جامعه سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. بین ۱۹۵۵ و ۱۹۷۷ تعداد کشورهای ازاد شده‌ای که از کمک اقتصادی و فنی اعضای شورای همیاری اقتصادی استفاده کرده‌اند از ۳۴ به ۷۸ رسید. مبلغ اعتبارات تفویضی به کشورهای جوان آفریقائی، آسیائی و آمریکائی لاتین تقریباً به ۱۵ میلیارد روبل افزایش یافته است. سی سال پیشرفت و کامیابی اقتصادی، علمی و فنی مداوم اعضای شورای همیاری اقتصادی تماماً به نفع زحمتکشان این کشورها بوده است. این دستاوردها نتیجه همیاری فزاینده کشورهای برادر در همه قلمروهای زندگی اجتماعی است. \* مستخرج از آمار سالیانه اقتصاد ملی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی که از جانب دبیرخانه شورا در ۱۹۷۹ انتشار یافته است.

## محمود درویش

شاعر بزرگ و مبارز فلسطینی

به سال ۱۹۴۱ در روستای البروه نزدیک عکا بدنیسا

آمد

روستای مولد او در ۱۹۴۸ ویران گشت .  
مردی است مبارز، روزنامه نویس، در فعالیت گروه  
الارض شرکت دارد، سه بار، در ۱۹۶۱، ۱۹۶۵ و ۱۹۶۷ به  
زندان افتاده محکوم به اقامت اجباری در حیفا شده است .  
سردبیر روزنامه الجدید ( ارگان شاخه عربی حزب کمونیست  
اسرائیل ) میباشد .

## خشم و اندوه

روستای ویران

بسان مترسک

زمین خشک ترک خورده

و ساقه های درختان زیتون شما

چونان آشیانه های جغد یا کلاغ

چه کسی امسال گاواهن را تیار کرده

چه کسی به زمین پرداخته

تو! برادرت کجاست . . . پدرت کو

جلوه های سراب

از کجای آبی؟ از شکاف دیوار؟

یا از میان ابرها به زمین افتاده ای؟

حرمت مردگان را آیا پاس می داری

یا در خانهات را با فرود آمدن شب می بندی؟

برای چه سربه شورش بر نمی داری

### نقشه:

### فکر ماشین . . .

فعالیت هائی دارد که در سیستم های محاسبه الکترونیک  
و سایر سیستم های مشابه جریان می یابد .  
سی برنتیک علم نوپائی است که هنوز به اصطلاحات  
مخصوص و متناسب خود دست نیافته است . از این رو ،  
ناچار است از اصطلاحاتی استفاده کند که مفهوم لفظی  
شان با مضمون مفاهیم سی برنتیک مطابقت ندارند . بدیهی  
است آنچه ماشین انجام می دهد فکر نیست . برای  
قبول این مطلب لازم نیست که انسان مارکسیست باشد تا  
به این واقعیت پی ببرد . اصولاً " فکر کردن به انسان و یا  
دقیق تر به بشریت تعلق دارد .

در اینجا سعی می شود درباره شیوه فکر انسان در  
برابر " فکر ماشین " پژوهش بعمل آید . البته این کار  
بخاطر مقایسه کردن آنها نیست . بلکه مقصود نشان  
دادن تفاوت آنها و پی بردن به این واقعیت است که آیا  
ماشین به راستی فکر می کند ؟ اصولاً " چنین موضوعی  
نباید برای ما مطرح شود ، زیرا از تعریف هائی که در بالا  
به اختصار ارائه شد این نتیجه به دست می آید که فکر ،  
استعدادی صرفاً بشری است . بسیاری از مؤلفین با ذکر  
کارهائی که فکر انجام می دهد و ماشین قادر به انجام  
آنها نیست نظر دانشمندان رشته " سی برنتیک را درباره "  
اندیشیدن " ماشین رد می کنند . باید گفت که اصولاً  
ذکر این موارد زائد است . زیرا ماشین حتی با ابتدائی  
ترین شکل فکر بکلی بیگانه است . ماشین قادر نیست به  
وسيله انتزاعات از واقعیت تصویر آید های به دست دهد .  
این کار فقط به مغز انسان تعلق دارد . بنابراین در جائی  
که آفرینش تصویر آید های از واقعیت به وسیله انتزاعات  
وجود ندارد ، کمترین نشانه ای از فکر در میان نخواهد بود  
هنگامی که " فکر ماشین " مطرح می شود ، بهتر است  
از خود بی پرسیم که آیا ماشین فکر می کند یا فکر ماشین  
در چه چیز با فکر انسان تفاوت دارد . بهرحال بهتر  
است این مساله با دقت پژوهش و روشن شود که چگونه  
ماشین در فکر کردن به انسان کمک می کند و جانشین انسان  
و فعالیتش در روند فکر می گردد .

فکر از تأثیر عین بر ذهن ( انسان ) نتیجه می شود  
انسان با عین رابطه منطقی برقرار می کند . در این  
رابطه انسان يك موجود صرفاً بیولوژیک نیست ، بلکه  
يك موجود اجتماعی ، انسان اجتماعی با همه آن ویژگی  
هائی است که او را از تحول یافته ترین حیوانات متمایز

و حال آنکه پیکر پدر پدرت  
روی چکمه های شب  
بردار است  
آیا دوستش می داری؟  
من پیش از تو دوستش داشتم  
و برکناره های تیرما ش به لرزه افتاد ام  
زیبا بود  
اما برگور من پایکوبی کرد

من و تو حساب می خواهیم  
از تاریخ  
از پرچی که مردانگی اش را از دست داد  
یا که هستیم؟  
بگذار سبکروچی کوچمه ها  
از ناشایستی لوای به خون غلتیده مان سیزاب شود  
برای چه سر به شورش بر نمی داری  
هنگامی که اولبانش را به دیگران عرض می دارد  
ویستانهایش را

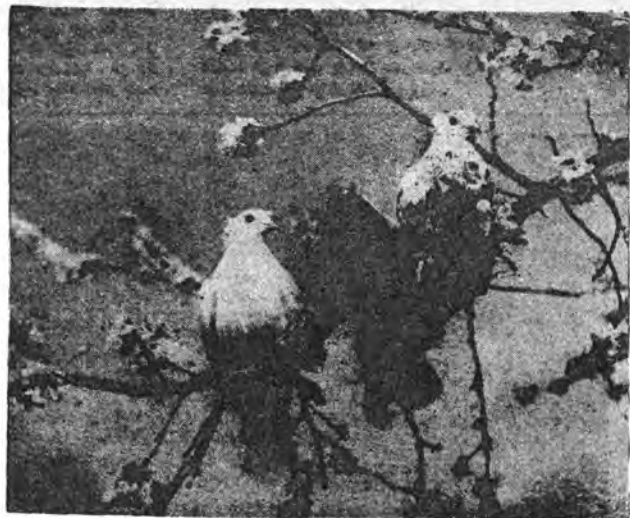
اندوه را  
سالهاست که تحمل کردیم  
و آفتاب بر نیامد  
اندوه آتشی است که گذشت زمان می میراند  
ویاد برمی انگیزد ش  
ویاد را بی سلاح  
چگونه رام خواهی کرد  
مگر در هدستی باد و آتش  
در میهنی بی سیرت شده

می سازد . طبیعی است که در رابطه عین و ذهن  
( انسان ) ابزارهای تولید ، ماشین ها و دستگاههای  
مختلف دخالت دارند . انسان بیاری این وسایل جهان را  
کشف می کند و آن را به دلخواه دگرگون می سازد . شمار  
گره های الکترونیک در ردیف وسایل مذکور قرار دارند . این  
شمارگرها یکی از وسایلی هستند که انسان برای شناختن  
و دگرگون کردن جهان خارج در اختیار دارد . همانطور  
که بیل مکانیکی در کندن خاک و تلسکوپ در مشاهده اجرام  
آسمانی به انسان کمک می کنند ، شمارگرها هم با سبک  
کردن کار ذهنی انسان به او در فکر کردن یاری می رسانند  
پس از دورک اهمیت فعالیت عصبی در طرز کار فکر که  
انسان آن را از حیوانات عالی به ارث برده ، حداقل  
توجه به دو موضوع اهمیت دارد .

نخست این که بخش های مختلف آناتومیکی انسان در روند  
کار با بیای تحول جامعه به طرز چشمگیری تغییر یافته  
است . سخنان انگلس درباره دست انسان در این  
زمینه پر معناست : " بنابراین دست نه تنها عضو کار است  
بلکه محصول کار هم هست . تنها به موهبت کار ، به موهبت  
سازش با فعالیت های همواره تازه ، به موهبت انتقال ارثی  
رشد ویژه که بدین سان نصیب ما هیچمه ها ، تاندون ها و  
در فاصله بسیار زیاد نصیب استخوان ها گردید ، و با  
لاخره به موهبت کاربرد لاینقطع و مکرر این ظریف کاری ارثی  
در فعالیت های تازه و همواره بفرنج تر است که دست انسان  
به درجه عالی کمال می رسد که می تواند معجزه تابلوهای  
رافائل ، مجسمه های توروالد سون و موسیقی پاگانینی را  
به وجود آورد . "

این معجزه به سر ، مغز ، و اعضای حواس انسان نیز  
مربوط می شود که به نوبه خود محصول سراسر تاریخ  
بشریت اند . همانطور که انگلس خاطر نشان ساخت ، انسان  
ماشین بخار را تنها به یاری دستش نیافریده است . او در  
این کار به سر و مغز خود که بطور محسوس با سر و مغز  
نیاکان حیوانی اش تفاوت دارد ، نیاز داشته است . انسان  
اکنون با سر ، دستها و حواس بشری به دنیا می آید .

دوم اینکه تحت تأثیر کار و فعالیت اجتماعی ، تنها  
بخش های مختلف آناتومیکی انسان تغییر نمی کند . آنها  
کامل می شوند ، یعنی روساختار های مصنوعی ( چون  
ماشین های شمارگر ) به آنها افزوده می شوند و ابزارهای  
کار انسان را وسعت می دهند و تقویت می کنند . انسان  
از ویژگی های مکانیکی ، فیزیکی و شیمیائی اشیا سود  
می جوید " تا آنها را بنا بر هدفهای خود به مثابه نیرو  
هائی و ادار به تأثیر نهادن بر اشیا دیگر نماید .  
ساختار های مصنوعی که بخش های مختلف آناتومیکی  
بقیه در صفحه ۷



## بهار آمده است

### جعفر کوش آبادی

دل زمین چو نانا رسید های بشکفت  
و بر فراز درختان کوچه گنجشکان  
بهر از وحدت رنگین باغ پی بردند  
وقه موهخانه یا زار رسید اسماعیل  
که اجتماع غم آلود نسترنها را  
بفضل سرد زمستان بمیاد می آورد  
و کارخانه سیمان شهرری  
که مثل مرغ مریضی  
همیشه در قفس فقر و رنج کز می کرد  
بین که همجو خم می به جوش افتادند  
وملتی که همیشه  
به روی دشت درند شتی از سیاهی ها  
د هان پنجره اش بازمی شد هاست اینک  
به بام آمده است  
و طعم روشنی روز می چشد

به پیشوا ز بهاران  
هزار لاله عاشق به خاک و خون غلطید  
به کوه سربه هوای روی چرا ای دوست  
بهار آمده است  
و آفتاب  
به میهمانی گلهای باغ می آید

بهار را در ریاب  
همیشه فرصت روئیدن و شکفتن نیست  
و آسیاب همیشه  
به گرد محورد لخواه ما نمی چرخد

به ساقه های جوان اعتماد افزون کن  
و محبوبی بنفشه  
به بوستان خط بطلان بکش تو بر سنبل  
که هر دو وزاد ه این کشتگاه خونین اند

چرازیبج و خم راه باغ می نالی  
که رود نقره ای جلگه تا به اقیانوس  
میان کوه و کمرفت و بیج و خم ها خورد

ستاره ها  
بر آسمان مفاهیم تازه می رویند  
و طعم روشنی روز خیل مرد مرا  
به کوه های پر از آفتاب می آرد

بهار آمده است  
و خانه های کهنسال د روحیدیه  
پراز شکوفه برگ و جوانه سبزند  
وملتی که همیشه  
به روی دشت درند شتی از سیاهی ها  
د هان پنجره اش بازمی شد هاست اینک  
به بام آمده است  
و طعم روشنی روز می چشد سر مست .

# درباره دریافت‌های خرده‌بورژوازی از برابری

مرحله‌ای در راه جذب تئوری کمونیسم علمی محسوب شود. با وجود این، در کشورهای که محافل محافظه‌کار خرده‌بورژوازی به این یا آن دلیل در زندگی سیاسی نفوذ مسلط پیدای کنند، نسبت به تئوری کمونیسم علمی و تجربه سیستم جهانی سوسیالیستی برخورد منفی و خصمانه‌ای دارند.

آنچه در سوسیالیسم و کمونیسم مساواتی گذشته چون امروز، علی‌رغم برخورد متفاوتشان با مالکیت جنبه مشترک دارد، قائل شدن تقدس برای تولید خرده‌پای دهقانان و پیشه‌وران و همه مناسبات اجتماعی مربوط به آن است. به عقیده اوتویستی‌ها (طرفداران حکومت‌های ایدئال) طبیعت انسان جاوید و تغییرناپذیر است و از این رو، تغییرات تاریخی که پیش از این در دوران سرمایه‌داری بوقوع پیوسته و اکنون در شرایط سوسیالیسم صورت می‌گیرد، ناپایدار است. به زعم آنها روابط ساده دهقانان و پیشه‌وران عصر طلا که در آن استثمار و مسابقه برای ثروت اندوزی وجود ندارد، با این "طبیعت تغییرناپذیر" بهتر مطابقت دارد. ایدئولوگ‌های گرایش‌های گوناگون سوسیالیسم غیرعلمی اجتماع دیرین دهقانی و ویژگی‌های آن - اقتصاد طبیعی، تقسیم و استفاده مساوی از زمین‌ها، جمع‌گرایی ابتدائی، مدیریت "پدرسالارانه" تعدالت و برابری آغازین ویژه اجتماع نخستین - را ایدئال قلب‌داد نموده و آن را نمونه ساختمان اجتماعی جهان وانمود می‌سازند. سرمایه‌داری با مالکیت انحصارگرانه و فقر و ثروت و سوسیالیسم که مالکیت بزرگ و کوچک خصوصی را از میان برداشته است، در برابر مدل یادشده بیرنگ جلوه داده می‌شود. روسو و پرودون، خلقیون روسیه، ویوکاناندا و گاندی در هند بازگشت به اجتماع ابتدائی (کمون) را یادآور می‌شدند. این کمون پاینده ایدئال‌های اجتماعی "اوجامائی" (تانزانیا) و "هومانیسم" (زامبیا) است. رد پای سازمان "کمون‌های توده‌ای" چین نیز در آن دیده می‌شود. تفاوت‌های بین حکومت‌های ایدئال (اوتویستی) در جزئیات به جوانب شیوه زندگی ابتدائی مربوط می‌شود. تفاوت‌های مورد بحث از شرایط ویژه این یا آن کشور، این یا آن دوره و نیز از خصلت ویژه شخصیت ایدئولوگ‌ها و غیره ناشی می‌شوند.

رفتار کلاسیک‌های مارکسیسم - لنینیسم نسبت به کمونیسم همبود شهرت فراوان دارد. مثلاً در پاسخ به تکاچف ایدئولوگ خلقیون روسیه که می‌گوید: "خلق ما... در اکثریت عظیم خود... زیر نفوذ مالکیت همبود قرار دارد، یعنی او بطور فطری و سنتی کمونیست است. او علیرغم نادانی خود نسبت به خلق‌های اروپای باختری که تعلیم یافته‌تر از اویند، به کمونیسم خیلی نزدیک‌تر است" انگلس در اثر خود ادبیات مهاجرت نوشت: "تکاچف با تأیید این مطلب که دهقانان روسیه... نسبت به کارگران اروپای باختری که محروم از هر نوع مالکیت هستند، به سوسیالیسم نزدیک‌ترند، مرتکب حماقت‌های ناب‌می‌شود."<sup>(۱)</sup> انگلس خاطر نشان می‌سازد که راه به سوسیالیسم قبل از هر چیز مستلزم درجه‌عالی رشد نیروهای مولده و وجود نه تنها پرولتاریاست که انقلاب سوسیالیستی را به انجام می‌رساند، بلکه همچنین بورژوازی است که نیروهای مولده در لوی وی به رشد مزبور می‌رساند. مالکیت همبود نمی‌تواند پیشرفت فنی را تأمین نماید، زیرا در حد معینی از رشد اجتماعی به پای بند و ترمز تولید کشاورزی تبدیل می‌شود. کمون مخالف سوسیالیسم نیست. البته بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی امکان گذار به سوسیالیسم را با پرهیز از مالکیت بورژوازی در صورتی می‌پذیرفتند که کمون تا زمانی که پرولتاریای پیروزمنند کشورهای پیشرفته اقتصادی بتواند کمک فنی و غیره به توده‌های دهقانان بنماید، وجود داشته باشد. می‌دانیم که کمون روسیه پیش از وقوع نخستین انقلاب سوسیالیستی متلاشی شد.

بدیهی است که ارزش تئوریک و اهمیت اجتماعی برای همه سیستم‌های اوتویستیک یکسان نیست. اگر سوسیالیسم و کمونیسم اوتویستیک کلاسیک سن سیمون، فوریه، اوون و

دریافت‌های اجتماعی خرده‌بورژوازی در زندگی ایدئولوژیک دنیای کنونی جای کتمان ناپذیری دارند. این دریافت‌ها متعددند. اما همه آنها با وجود تفاوت‌ها، منجمله تفاوت‌های ملی‌شان در یک نقطه بهم می‌رسند: امکان راه ویژه برای استقرار عدالت اجتماعی و برابری، راهی که از "زیاده‌روی‌های" سرمایه‌داری و سوسیالیسم بد و راست. این واقعیت نشان می‌دهد که عصر خیالی‌لبافی‌ها خرده‌بورژوازی هنوز تمام نشده است. این خیالی‌لبافی‌ها زمینه بسیار مساعد خود را در کشورهای می‌یابند که در آنجا کشاورزی بطور اساسی مبتنی بر کار دستی است، از صنعت پیشرفته در آنجا خبری نیست و نفوذ خرده‌بورژوازی در سایر قشرهای مردم زیاد است. باید گفت که دریافت‌ها و احساسات مساوات طلبان خیالی‌پرست قرن ما دقیقاً از اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشورهای مورد بحث سرچشمه می‌گیرند. این دریافت‌ها با خیالی‌لبافی‌های خرده‌بورژوازی اروپای قرن نوزدهم و خیالی‌پردازی‌های متفکران قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ درباره استقرار عدالت اجتماعی خویشاوندی نزدیک دارند.

دریافت‌های خیالی‌پردازانه و پراتیک خیالی‌لبافی‌ها از دیدگاه اجتماعی بازتاب اضطراب و دلواپسی خرده‌بورژوازی نسبت به موجودیت خود بعنوان یک طبقه در شرایط تغییرات بالنده تاریخی بوده و هست. قشرهای مرفه، متوسط و فقیر این طبقه گسترده، پر شمار و بطور اجتماعی نامتجانس به گونه‌های مختلف در برابر استقرار سیستم اقتصادی سرمایه‌داری واکنش نشان می‌دهند. آنها نسبت به سوسیالیسم به شیوه‌های مختلف رفتار می‌کنند و بانحاء مختلف می‌کوشند راه‌ها و طریقه‌های دیرینه‌گرفته‌شان را در ریشه‌گیرند که امکان موجودیت مستقل و فارغ از هر نوع استثمار و ستم را برایشان فراهم آورد.

ایدئولوگ‌های محافظه‌کار قرن‌های هیجده و نوزدهم (رتیف و پرودون) که عمدتاً سخنگویان قشرهای مرفه خرده‌بورژوازی بودند، به تبع وابستگی دیرین توده‌های دهقانان و پیشه‌وران خرده‌پا به فعالیت خصوصی و فردی در واحد‌های بهره‌برداری کشاورزی و بیم‌زهرولتریزه شدن دائمی، بازگشت به نظم قدیمی اجتماع پدرسالارانه را پیش کشیدند. تاجر کس‌قطعه زمین مخصوص انتقال ناپذیر یا کارگاه کوچک خود را داشته باشد تا بدین ترتیب مجموع شیوه زندگی سنتی خرده‌مالکان دست نخورد باقی بماند. درخواست اساسی سوسیالیسم مساواتی، برابری خرده‌مالکان خصوصی بود که ناچار به کار مزدوری نبودند. ایدئولوگ‌های فقیرترین قشرها که کلاً یا جزاً از مالکیت زمین محروم بودند، همه را به پیشرفت فرا می‌خواندند. مالکیت خصوصی را نفی می‌کردند و بجای آن اشتراکی کردن عمومی همه دارائی‌ها را پیشنهاد می‌نمودند. آنها رژیم اجتماعی آینده را سیستمی تصویری کردند که در آن برابری مطلق فرمانروائی خواهد کرد، از استثمار و امتیازات در آن نشانه‌ای نخواهد بود. همه یکسان تغذیه خواهند شد، مانند هم لباس خواهند پوشید، از تفریح، تربیت و آموزش همانند برخوردار خواهند بود. برخورد منفی ایدئولوگ‌های هرد و گرایش نسبت به سرمایه‌داری غیرمنطقی بود و بطور اساسی از چارچوب مناسبات مالکان کوچک و بزرگ فراتر نبود.

سوسیالیسم و کمونیسم خرده‌بورژوازی معاصر بطور اساسی با سوسیالیسم و کمونیسم قدیمی خرده‌بورژوازی در آغاز و میانه قرن نوزدهم و سوسیالیسم خیالی‌پرستانه کلاسیک تفاوت ندارد. با وجود این، آنها ویژگی‌های خود را دارند. اهمیت تأثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و کامیابی‌های کشورهای جامعه سوسیالیستی در جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های مستعمره و وابسته این بوده است که توانست شور و شوق توده‌ها را به سوسیالیسم برانگیزد. یکی از خصلت‌های مهم محافل سیاسی فعال و ترقیخواه خرده‌بورژوازی در کشورهای آفریقائی - آسیائی تمایل صادقانه آنها به تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی و ایجاد سیستم اجتماعی فارغ از استثمار انسان از انسان است. ایدئال سوسیالیستی، آگاهانه یا نا آگاهانه در ژرفای جنبش انقلابی عصر ما وجود دارد. رهبران بسیاری از کشورهای در راه رشد با توجه به این وضعیت روحی و این دریافت‌ها که تنها سوسیالیسم واقعاً می‌تواند مسایل مربوط به رشد مادی و معنوی را حل کند، در جهت سمت‌گیری اقتصاد و روابط اجتماعی بطرف سوسیالیسم تلاش می‌ورزند. تجربه رشد ویژه ملی این کشورها در شرایط معین می‌تواند

پایوف جریان ایدئولوژیک ترقیخواهانه پیش از ایدئولوژی علمی پرولتاریا را تشکیل می‌دادند و یکی از منابع تئوریک مارکسیسم بدل شدند، موسیالیسم و کمونیسم خرده‌بورژوازی جانشین آن همانطور که مارکس و انگلس در نیقیست حزب کمونیست خاطر نشان ساخته‌اند، ارتجاعی است، زیرا ایدئولوگ‌های آن "تلاش می‌ورزند، و در این کار منطقی هستند، مبارزه طبقاتی را تضعیف کنند و آنتاگونیسم‌ها را آشتی دهند... بنابراین، آنها بسا سماجت با هر نوع فعالیت سیاسی طبقه کارگر مخالفت می‌کنند"<sup>(۲)</sup>. این ارزیابی کاملاً برای رویزیونیسم "چپ" مصداق دارد، که می‌کوشد با مارکسیسم - لنینیسم مخالفت کند و دکتربین خود را یگانه دکتربین معتبر جایزند.

## هم‌سطح کردن - پایه مساوات سربازخانه‌ای

همه اوتویستی‌های اجتماعی (حکومت‌های ایدئال و خیالی) به سوسیالیسم و کمونیسم مساواتی تقسیم می‌شوند. روابط آنها با مالکیت پایه این تقسیم را تشکیل می‌دهد. اگر سوسیالیسم مساواتی استفاده خصوصی و فردی از زمین را مورد نظر قرار دهد، کمونیسم مساواتی معتقد به اجتماع می‌کند. کامل همه وسایل تولید، منجمله شریک زندگی است. بدیهی است که مرزبندی بر پایه این ملاک فوق العاده مشروط است. به ویژه اگر این مرزبندی در زمینه دریافت‌های اوتویستی‌ها درباره مسایل سیاسی، اخلاقی و غیره انجام گیرد. سوسیالیسم مساواتی به برقراری مالکیت اجتماعی روی خوش نشان نمی‌دهد. کمونیسم مساواتی مالکیت اجتماعی را به مثابه مالکیت خصوصی دولتی تلقی می‌کند. هردو آنها در جستجوهای خود از چارچوب مالکیت خصوصی پافرازی نمی‌نهند. آنها با وجود علاقمندی به درگیری‌های اساسی در مناسبات اجتماعی در چارچوب یاد شده محبوس‌اند. در نزد آنها تجدید سازمان زندگی اقتصادی و اجتماعی در دایره مسدود سنت‌های همبود (جامعه ابتدائی) محیط روستا انجام می‌گیرد.

با وجود این، واژگان "سوسیالیسم" و "کمونیسم" در نامگذاری این جریان‌های فکری خرده‌بورژوازی جنبه تصادفی ندارند. زیرا آنها آرزوی توده‌های دهقانان محروم و غارت شده، بازگانان خرده‌پا و پیشه‌وران جامعه فتوادی و سرمایه‌داری را در نیایان بخشیدن به استثمار فقر و بیعدالتی منعکس می‌کنند. این آرزوها موجب می‌شد که هواداران مردم - برخی‌ها برخاسته از کانون‌های فقر (رتیف، پرودون) و برخی‌ها از میان قشرهای دانشور (مور - ملیه) - سیستم‌هایی برای سازمان دادن عدالت در جامعه بوجود آورند. رویای برابری کامل اجتماعی به این آرزوها وابسته بود. حقیقت این است که همه تئوری‌پردازان خرده‌بورژوا به غیرقابل دخل و تصرف بودن تولید کشاورزی و پیشه‌ورانه و شیوه زندگی مربوط به آن تکیه می‌کردند. در واقع این شیوه تولید بعلت نداشتن نیروهای لازم نمی‌توانست سازمان اجتماعی پیشرفته‌تری بوجود آورد. از این رو همه سیستم‌های تئوری‌پردازان خرده‌بورژوا و برابری مورد ستایش‌شان ناگزیر تبدیل به وهم و خیال گردیده‌است. از دیدگاه آنها برابری بودن بمعنی زیستن به صورت کلیشه‌ای است. هم سطح کردن توهمی از برابری است. شکل کامل آن در کمونیسم مساواتی دیده می‌شود.

برابری سوسیالیسم مساواتی کامل نیست، زیرا نابرابری در قلمرو مالکیت دارائی‌ها و ثروت‌ها را می‌پذیرد. نمایندگان این سوسیالیسم می‌پنداشتند که قوی‌تری می‌تواند در چارچوب اقتصاد فردی خود که مبتنی بر کار شخصی است به مانند ازای تولید کند که شرایطی او می‌فهماند یعنی مبادله بین تولیدکنندگان کالاها دقیقاً مساوی باشد. از این روی کارگر بنا بر واقعیت برتری جسمانی یا کار - کشتگی زیاد می‌تواند ثروتمند تر از کارگری شود که ضعیف‌تر و کم تجربه‌تر است. برابری اجتماعی بین آنها حفظ می‌شود، زیرا هیچیک از آنها دست به کار مزدوری نمی‌زند بلکه تنها به مبادله آنچه خود تولید کرده است، می‌پردازد. دهقان یا پیشه‌ور، مستقل از شیوه کارشان همیشه تمام محصول کارشان را بدست می‌آورند. مالکان خیلی بزرگ از امکان کسب درآمد هائی که از کارشان ناشی نمی‌شود محروم خواهند بود و بدین سان استثمار برای همیشه از بین می‌رود. این نظر را پرودون حفظ نمود. اقتصاد ساده تولید کالائی را یک چیز ایدئالی جلوه می‌داد.<sup>(۳)</sup> نمایندگان کمونیسم مساواتی به عنوان "مدافعان" بقیه در صفحه ۸

بقیه

زنده باد اول ماه مه!

با رشد نیروهای تولیدی و تبدیل شدن نظام سرمایه داری به سیستم استثماری و رگرگری جهانی زمینهای مادی و فکری همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان فراموشی و جنبش کارگری برای مبارزه با نظام منفرود سرمایه داری وارد مرحله جدیدی می شود.

پیدایش روز اول ماه مه

اولین اعتصابات کارگری در اواخر قرن هیجده یعنی قریب دو بیست سال پیش در کشورهای اروپای باختری روی داد. از آن زمان به بعد اعتصابات فراوانی در تاریخ جنبش کارگری به ثبت رسید، اما هیچیک از آنها نتوانست از حد و مرزهای آن کشور بیرون رود و با زتاب شدید بین المللی پیدا کند. تنها جنبش اعتراضی و اعتصابی خونین کارگران شیکاگو آمریکا شهرت جهانی یافت و به روز همدردی و همبستگی زحمتکشان جهان بدل گردید. کارگران شیکاگو در روز یکشنبه اول ماه مه ۱۸۸۶ با تدارک قبلی برای برگزاری میتینگ و راهپیمایی با پلاکاردهای حاوی این شعارها که نمایشگر شرایط دشوار کار روزنگی آنان بود، به خیابان آمدند:

- ساعت کار فقط ۸ ساعت نه بیشتر.
- یک روز تعطیل در هفته با استفاده از حقوق برای کلیه کارگران.
- دیگر جریمه نمیدیم.
- اخراج کارگران، مصدومان، سالخوردگان موقوف.
- محیط کار در کارخانه ها باید، کثیف و غیربهداشتی است.
- ما میخواهیم اتحاد پیدا کنیم.
- مزد مساوی برای کارمندی چه مرد، چه زن، چه کودک.
- کارگران، فقط اتحاد ضامن پیروزی شماست!
- لیکن پلیس شیکاگو بایک توطئه قبلی به روی نمایش دهندگان آتش می گشاید و عدّه زیادی را به خاک و خون می کشد. در سال ۱۸۸۹ این روز به تصمیم بین الملل در روز جهانی کارگر شناخته می شود.

اول ماه مه در ایران

طبقه کارگری پرولتاریای صنعتی ایران که در دهه های آخر سلطنت ناصرالدین شاه پایه عرصه وجود نهار، بتدریج تاثیر انقلابی خود را در مبارزات اجتماعی ایران بجا میگذارد و به مثابه طبقه تا به آخر انقلابی شایستگی اش را در مبارزات قاطع اجتماعی علیه ارتجاع و امپریالیسم به ثبوت میرساند. صنایع در ایران به علت عقب ماندگی عمومی جامعه ما و تسلط فئودالیسم بدشوار می رشد می یافت. دستکارها نسبت به واحد های بسیار محدود صنعتی برتری داشتند. اما این محدودیت مانع از آن نشد که این طبقه رسالت خود را در مبارزات صنعتی و سیاسی ایفا ننماید. تاثیر عناصر کارگری در مرحله دوم انقلاب مشروطیت ایران نقش سازمانگرایین طبقه را نشان میدهد. در این مرحله بود که انقلاب را از ریاست و اتحاد و دی رگیلان جنبه وسیع و مکرراتیک پیدا نمود. کارگران ایران در جریان اوج جنبش مشروطیت فرصت یافتند گامهای نخستین را در محدود نمودن رسمی ساعات کار بردارند. امضای اولین قرارداد محدود نمودن ساعات کار بین کارگران و کارفرمایان چا پخانه های تهران در سال ۱۲۸۵ اولین پیروزی صنفی کارگران به شمار میرود. این قرارداد ساعات کار روزانه کارگران را از ۱۲ ساعت به ۶ ساعت تقلیل داد.

با رشد نیروهای تولیدی و تبدیل شدن نظام سرمایه داری به سیستم استثماری و رگرگری جهانی زمینهای مادی و فکری همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان فراموشی و جنبش کارگری برای مبارزه با نظام منفرود سرمایه داری وارد مرحله جدیدی میشود.

با تأسیس شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگری منجمله اتحادیه کارگران راه آهن ایران و اتحادیه زحمتکشان ایران که تا آن زمان مخفیانه فعالیت میکردند، جنبش کارگری ایران شکل سازمان یافته گسترده ای پیدا می کند.

تردید نیست که این طبقه (طبقه کارگر) در شرایط امروز نیز توانا تر از گذشته است و هر وقت که گام مطمئن برای تدوین انقلاب ایران و محو همه آثار وابستگی به امپریالیسم خواهد بود.

در سال ۱۲۸۷ اعتصابات کارگری متعدد در روموسسات ماهیگیری لیا نوزوف در بحر خزر به وقوع پیوست که مقامات دولتی مجبور شدند برای سرکوبی آنها از ستهای قزاق ایرانی استفاده کنند.

در سالهای ۱۲۸۷-۱۲۸۹ موج اعتصابات باربران قایقرانان و کارگران بندرانزلی و رشکچی ها و کارگران چاپخانه ها در تهران موجب شد که کارگران به ضرورت همپیوندی صنفی آگاهی یابند.

روح سازمان پذیری نخست در میان کارگران پیشرو چاپخانه ها بوجود آمد. کارگران چاپخانه "کوچکی تهران" در سال ۱۲۹۰ اولین اتحادیه کارگران را تأسیس کردند که بعد ها به اتحادیه کارگران چاپخانه ها تبدیل شد. از این تاریخ اتحادیه های کارگری روبرو رشد میکنند. در سال ۱۳۰۰ اتحادیه تهران ۱۵ سندیکای کارگری وجود داشت که همه آنها در اتحادیه های کارگری تهران متشکل بودند. به ابتکار این اتحادیه برای نخستین بار در تاریخ نهضت کارگری ایران روز اول ماه جشن گرفته میشود. پس از استقرار دیکتاتوری فاشیستی رضاخان فعالیت های سندیکاها ممنوع میشود و همه آنها از رهبران سندیکاها و اتحادیه ها دستگیر و زندان افکند می شود. در طول سالهای پراخفقان سلطنت رضاخان کارگران روز جهانی کارگر را در خانه ها و محفل های دوستانه برگزار می کردند.

فرار رضاخان و فروپاشی نظام فاشیستی وی در آغاز جنگ دوم جهانی محیط مساعدی برای تجدید فعالیت های آزاد سندیکائی بوجود می آورد.

با تأسیس شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان در سال ۱۳۲۳ از اتحادیه های کارگری منجمله اتحادیه کارگران راه آهن ایران و اتحادیه زحمتکشان ایران که تا آن زمان مخفیانه فعالیت میکردند، جنبش کارگری ایران شکل سازمان یافته گسترده ای پیدا میکند. به ابتکار این شوراهای اردیبهشت سال ۱۳۲۴ نخستین روزه کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار میشود. در این روز ۸۰۰۰ نفر در تهران و ۲۵۰۰۰ نفر در شهرستانها رژه میروند. یکسال بعد در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ بیش از ۷۰۰۰۰ کارگر رسماً سر ایران در جشن اول ماه مه شرکت کردند.

با پیروزی کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجدداً فعالیت های سندیکائی کارگران ممنوع اعلام میگردد. در طول ۲۵ سال دیکتاتوری محمد رضا شاه پس از ۲۸ مرداد برگزاری روز جهانی کارگر به ممنوعیت رسید. به رسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر در سالهای آخر سلطنت وی به معنای

آزادی فعالیت های سندیکائی و برگزاری این روز جهانی به اراده طبقه کارگر نبود. رژیم ستم شاهی با شناسائی روز جهانی کارگر تلاش نمود این روز را از محتوای انقلابی خارج کند و از آن به نفع رژیم ضد کارگری خود سوء استفاده نماید.

طبقه کارگر میهن ماد رسال گذشته پس از پیروزی انقلاب کبیر ضد امپریالیستی ایران به رهبری امام خمینی جشن اول ماه مه را در شرایط آزاد و فارغ از سلطه ارتجاع و امپریالیسم برگزار نمود. در این روز صد ها هزار کارگر رسماً سر ایران در رسان و رژه شرکت کردند و اراده توانای خود را در مبارزه با امپریالیسم و بقایای آن تا آخرین پله نشان دادند.

به رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به عنوان روز همبستگی با زحمتکشان سراسر جهان از طرف شورای انقلاب تأکید مثبتی در بار شناختن زندترین و پویاترین نیروی انقلاب یعنی طبقه کارگر ایران است.

نقش سیاسی طبقه کارگر در جنبش مکرراتیک مردم ایران

مبارزه طبقه کارگر ایران هیچگاه در چارچوب صنفی باقی نماند. دست او در هر فرصت که این طبقه امکان یافتد ریگانها رگان تودهای خود سندیکاهای اتحادیه های صنفی متشکل شود، بی رنگ تاثیر سیاسی آن در جنبش رها نبخشود مکرراتیک مردم ایران نمودار شد. به همین علت ارتجاع امپریالیستی در سراسر دوران سلطه جابرا نه خود را ایران بشدت از رشد نهضت سندیکائی در میهن ما جلوگیری به عمل آورد. و مانع از تشکیل صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران شد.

نخستین تجربه تاریخی در تشکیل سندیکائی در سال ۱۳۰۰ تحقق یافت. در خرداد ماه این سال کلیه سندیکاهای ایران در شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای متشکل شدند. مجموع کارگران عضو این شورا بالغ بر ۳۰۰۰۰ نفر بود. با تشکیل این شورا مبارزه طبقه کارگر ایران از چارچوب اقتصاد بپا فزاتر می نهد و شعارهای سیاسی را در بر می گیرد. در این مرحله کارگران تنها در راه حقوق صنفی خود مبارزه نمی کردند، بلکه خواستار تأمین آزادیهای مکرراتیک و کوتاه کردن دست امپریالیسم از همه شئون سیاسی اقتصاد و اجتماعی کشور ما بودند. شورای مرکزی اتحادیه های حرفه ای به عضویت سندیکای جهانی کارگران درآمد و شهرت بین المللی یافت.

این شورا مانند سایر سازمانهای مکرراتیک در سال ۱۳۰۴ برای هموار شدن دیکتاتوری سیاه رضاخان منکوب و تاروما گردید و رهبران آن به زندان افکند شدند.

شرکت وسیع کارگران صنایع نفت جنوب در جشن اول ماه مه ۱۳۱۰ صرفاً روزنمایش طبقه کارگر ایران علیه خفقان و استبداد حکومت سیاه رضاخان بود. این تظاهرات عظیم اعتراض آمیز که با دخالت پلیس وحشیانه سرکوب و به خون کشید شد منجر به اعتصاب فشرده ضد استبدادی نفتگران جنوب گردید.

اعتصابات عظیم نفتگران جنوب در سالهای هلی شدن صنعت نفت علیه شرکت غاصب نفت انگلیس از صفحات درخشان جنبش سیاسی طبقه کارگر ایران در مبارزه با امپریالیسم است.

نقش فعال طبقه کارگر ایران در برانداختن رژیم وابسته امپریالیسم محمد رضای خائن یکبار دیگر اعتبار و اهمیت حیاتی این طبقه را بعنوان هسته اساسی و مرکز جنبش رها نبخش مردم ایران به ثبوت رساند. اعتصابات واحد های مهم کارگری چون نفت، ذوب آهن، برق، آب، مخابرات، راه آهن و غیره در آستانه انقلاب رژیم منحط پهلوی را به زانو در آورد و سرانجام به سقوط کشانید.

تردید نیست که این طبقه در شرایط امروز نیز توانا تر از گذشته است و هر وقت که گام مطمئن برای تدوین انقلاب ایران و محو همه آثار وابستگی به امپریالیسم خواهد بود.

خود مشابه یکدیگرند. همانطور که تیر ساخته شده از پیر تئین ها نسبت به تیر فولادی شانس کمتری دارد که خوب ببرد، یک شمارگر که به جای سلول های نرون ها دارای سلول های خاص ماشین یا لامپ های الکترونیک و نیمه هادی ها است مطمئناً نمی تواند از عهده کارهای عالی برآید. این یک رونویس ساده و تقلید طبیعت به حساب نمی آید بلکه یک آفرینش کاملاً جدید است که در طبیعت وجود ندارد و برای زندگی جامعه ضروری است و در حقیقت راه متعالی رشد تولید و شناخت با ما می رود.

یاد داشت: ۱- سبیرتیک که از واژه یونانی کبیرنتیک مشتق شده به معنای هنر ادر کردن و رهبری کردن است. این دانش اکنون سیستمهای رهبری را در تاسیسات فنی، ماشینها، ارگانسیمزنده و سازمانهای مختلف اجتماعی مورد مطالعه قرار میدهد. مورد مطالعه قرار می دهد.

خارج شده است در صورتیکه شمارگر به فعالیت شناختی و ذهنی مغز کمک می کند. فکر در شرایط پیشرفت تمدن دانش و فن ابزارهایی در اختیار دارد که به انسان در فکر کردن و منعکس نمودن شیئی مستقیماً کمک می کند. علاوه بر این، به هیچ وجه ضروری نیست که ابزار کار بنا بر شکل و طبیعت فیزیکی خود با عضو طبیعی که آن را تکمیل و تقویت می کنند، مشابه باشد. مثلاً لکوموتیو و هواپیما نه از حیث طبیعت و فیزیکی و نه از حیث شکلشان با پایهای انسان یا اسب همانند نیستند، اما از حیث کارکردشان شباهت دارند. تنها انسانی با فکر ابتدائی می تواند در جستجوی اسب مخفی در لکوموتیو باشد در خصوص ابزارهای فعالیت شناختی انسان نیز می توان همین نکته را خاطر نشان ساخت. شمارگر الکترونیک نه از حیث شکل و نه از حیث سرشت عناصری که آن را می سازند سرو مغز انسان را بیاد نمی آورند، با اینهمه آنها بنا بر کارکردهای

بقیه: فکر ماشین.....

جسم انسان را وسعت داده و تقویت می کند مستقیماً به سیستم عصبی، اعضای حواس و مغز افزوده می شوند نمونه شمارگرها استفاده مستقیم از ابزارهای مصنوعی را در فعالیت ذهنی انسان به وضوح نشان میدهند. در این حالت ویژگیهای مکانیکی و فیزیکی اشیا مخصوصاً ویژگیهای الکتریکی واقعاً بعنوان ابزار شناسائی جهان خارج مورد استفاده قرار میگیرند. فاصله یک تیر سنگی انسان ماقبل تاریخ را از ماشینهای حساب مدرن برقی جدا می سازد، زیاد است. با این همه آنها نقاط مشترکی دارند. هر دو از ابزارهای کار انسان هستند. در هر دو مورد ویژگی های مکانیکی و فیزیکی اشیا مورد استفاده قرار می گیرند. البته تیر سنگی ابتدائی و ویژگی های آن در روند کار فیزیکی موجب تقویت دست انسان در تاءثیر نهادن روی اشیا جهان

بقیه :

### هشدار...

بوسیله یک پل هوایی که از یانگهاهای آمریکائی در منطقه خلیج و اقیانوس هند و مصر و اسرائیل ترتیب داده می شد ، از حیث نفرت و تجهیزات تقویت شوند و امنیت عملیات خود را گسترش دهند . آنگاه مظاهرا مرحله دوم کار میبایست آغاز شود . بدین معنا که با جلب نیروهای ضد انقلاب از هر سو و با همکاری فعال نظامی و تبلیغاتی شان ، همراه با توسعه عمده محیط نارضائی و درگیری و آشوب در سراسر ایران ، که مقدمات آن در روزهای اخیر در دانشگاهها صورت گرفت ، هسته یک قدرت ارتجاعی بوجود آید که از نقطه ای نمچند آن در راز مرز شوروی انقلابهای ایران و افغانستان را به یک سان مورد تهدید قرار دهد .

باید گفت که از سالها پیش خطری به این اهمیت صلح جهان را تهدید نکرد هاست

آنچه در این ماجرای جنایت بارشایان دقت است آن است که جز با اطلاع و همکاری برخی همسایگان امکان وقوع نداشته است . در این میان بویژه پاکستان - به علت نزدیکی اش به محل عملیات و به قرینه سیاست ضد انقلابی و پیوندش با امپریالیسم آمریکا و توسعه طلبان چینی - مورد بدگمانی بیشتری است . بی شک هم به این علت بوده است که بلافاصله پس از انتشار خبر شکست ماجرا از سوی آمریکا ، با شتاب زدگی پرمعنائی از خود رفع اتهام کرده است .

بهر حال ، جای هیچ گونه خوابزدگی خوشبینانه نیست . خطر وجود دارد و بسیار هم جدی است : از جانب آمریکا و متحدانش در سراسر جهان سرمایه انحصاری ، و همچنین از جانب دست نشاندهانشان در منطقه ، اینان هر قدر هم که به زبان آیات محکمت سخن بگویند و دم از وحدت اسلام بزنند ، به هیچ عنوان نمی توانند با انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران ، با قدرت سربستی که دارد ، دمساز باشند . برای انقلاب ایران از یک سو ، و رژیم های مرتجع یا فاشیست ماب منطقه از سوی دیگر مسئله مرگ و زندگی مطرح است . وقت آن است که سازمان ها و گروه های سیاسی مذهبی یا غیر مذهبی وفادار به انقلاب به خود آیند و خود را از پاره های توهمات ، که آنان را به انحصار گرایی از یکسو و فزون طلبی از سوی دیگر می کشاند ، سبکبار کنند . در برابر دشمن که آشکارا دست به حمله زده است و اگر این بار شکست خورد بصراحت می گوید که از پا نخواهد نشست و باز حمله خواهد کرد ، از وحدت واقعی نیروهای انقلابی چاره نیست . باید بی چون و چرا یکی شد ، زیرا شکست انقلاب شکست همه بدون استثناء است . همچنین اکنون ، بیش از هر زمان دیگر ، شناخت واقعی دوست و دشمن و ترسیم یک خط فاصل دقیق میان این دو اهمیت اساسی دارد . در درون مرز های ایران و در پهنه جهان باید بدانیم که با ماست و که بر ماست . و باید موقع شناس بود و انصاف داشت . نباید گذاشت که تعصب کور که از اصل بسیار درستی مانند لزوم دگرگونی نظام فرهنگی و دانشگاهی که همه بر آن اتفاق دارند ، بهانه ای برای میدان به در کردن نیروهای فکری و سیاسی رقیب بسازد . آن موج جنونی که هفته گذشته سراسر ایران را درنوردید باید متوقف شود . این خونهای جوان و نوجوان ، از دختر و پسر دانشجو و دانش آموز ، که در شیراز و مشهد و تهران و رشت و اهواز و دیگر شهرها به بهانه انقلاب فرهنگی بر زمین ریخته شد ، لکه ای بر دامن انقلاب ماست .

این خونهای می بایست برای حفظ و گسترش دستاورد هلی انقلاب ، برای بازسازی اقتصاد و فرهنگ کشور ، برای دفاع از میهن در برابر تجاوز اردوگاه امپریالیسم و مقابله با توطئه و دست اندازی رژیم خونخوار عراق ، ذخیره شود . همچنین به جنگ و برادر کشی در کردستان نیازی نیست . حق برادران کرد هموطن ما برای دخالت در امور کشور و امور شهر و دیار خود حقی است قانونی و همان است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای همه اقوام ساکن این مرز و بوم شناخته است . باید آن را هر چه زودتر و از روی صداقت در سراسر ایران پیاده کرد . وحدت ملی در برابری واقعی حقوق و آزادیهای دموکراتیک امکان پذیر است . و امروز بیش از هر زمان به وحدت ملی نیاز هست .

### بقیه دریافت های خرده بورژوازی .....

منطقی برابری نمی توانستند به سازمان مورد ستایش سوسیالیست های تخیلی قناعت ورزند . برابری بایست مستقل از قدرت و استعداد های فرد برای همه مطلق باشد . بعقیده آنها هر نوع امتیاز ناقض برابری و هماهنگی است ، زیرا چنین چیزی به زیان آینده خواهد بود . اگر جامعه به قدر کافی ثروت بیند وزد و امکان گذار به سطح پیشرفته ترگی برای اجابت نیازها پیدا ارگردد ، این گذار باید به صورت نوبتی یعنی به نسبت استعداد های انسان بلکه باید همزمان برای همه به اجرا آید . در برابر همزمانی مشابه همه شاهد برابری مطلق در تمام قلمروها خواهند بود .

تمایزات نفرت انگیز فقر و ثروت ، بزرگی و کوچکی ، آقا و نوکری ، حاکم و محکومی را از میان بردارید . دیگر نباید بین انسان ها تفاوتی غیر از سن و جنس در میان باشد . چون همه دارای نیازها و استعداد ها ، همانندی هستند . از این رو ، برای آنها چیز دیگری جز یک تربیت و یک تغذیه وجود ندارد . آنها بایک خورشید و یک هوا برای همه خود را راضی می سازند : پس چرا یک سهم و یک کیفیت غذا برای هر یک از آنها کافی نخواهد بود ؟ این نقل قول با روشنی خاصی ماهیت برابری مساوات طلبانه را نشان میدهد

در سیستم های تخیلی مور ، کامپانلا ، ملیه ، وینستانلی مورلی ، بابوف ، کایت ، دزایمی و خیلی نزدیک به ماکس یاکوبین و دیگران حتی جزئیات تنظیم کامل زندگی انسان در جامعه کمونیستی آینده به چشم می خورد و نشان داده شده است که چگونه می توان افراد را در مالکیت ثروت ها ، کار ، توزیع و تربیت برابر نمود و نابرابری را بین کارفکری و یدی و شهروده از میان برداشت .

قلمرو توزیع . موضوع اساسی هم سطح کردن نبود برابری در سایر قلمروها از برابری در این قلمرو ناشی می شود . به عقیده همه اوتوپیست ها ، رفاه جامعه سراسر به توزیع عادلانه ثروت های مادی و معنوی ، به ویژه مادی بستگی دارد . هر نوع بیعدالتی در این قلمرو بیشتر از قلمروهای دیگر به منافع فرد لطمه وارد می کند . به زعم آنها اگر انسان در زمینه آموزش پیشی گیرد ، این امر فاجعه بیچاره نمی آورد . اما اگر در زمینه توزیع محصولات غذایی ، پوشاک ، مسکن دچار محرومیت شود ، زندگی وی بشدت مورد تهدید قرار خواهد گرفت . البته زندگی برای انسان بسیار گرانبهاست . از این رو ، او در برابر دیگران با تمام وسایل راست و ناراست خواهد کوشید از هر چیزی برای باز ستاندن حقش یاری گیرد . بنابراین ، برای این که جامعه در جنگ برادر کشی نابود نشود ، باید همیشه در سیستم توزیع مراقبت جدی بعمل آورد . سیستم توزیع زندگی را اجتماعی می سازد : این نتیجه گیری اساسی کمونیسم تخیلی است . همه بدبختی هایی که تاکنون نصیب مردم خرد مپا شده بر اساس توزیع غیر عادلانه نابرابرانه بوده است . برخی ها که قوی تر ، چابک تر و محیل تر بودند ، آنچه را که دیگران تولید نموده بودند ، دور از شرافت و اخلاق بنفع خود ضبط نمودند . بدین سان نابرابری شرایط و مالکیت خصوصی پیدا ار شد . این ایدها نشان می دهند که اوتوپیست ها رابطه ناگزیر بین روابط تولید و روابط توزیع و نقش تعیین کننده اولی و نقش تابع دومی را ندیده می گرفتند . آنها عقیده داشتند که برابری بین انسان ها قبل از هر چیز به وسیله سازمان توزیع که بنوبه خود کاملاً

بقیه :

### درسی از...

کتاب سوزان ، بمب گذاری در موسسات تولیدی ، همه و همه مظاهر این عصیان ضد انقلاب بود .

در این میان حزب سوسیالیست پرتغال و رهبران مارکسوارش به جای آنکه روح دت همه نیروهای چپ و د مکررات گام نهند و پیشنهادهای اتحاد طلبانه کمونیستها را بپذیرند به اقدامات تفرقه جویانه نمودن زد نبر آتش آنتی کمونیسم برداختند سوسیالیستها این اقدامات تفرقه جویانه را به صفوف جنبش نیروهای مسلح نیز کشاندند و زمینه های وحدت آنرا متزلزل ساختند . عوامل فوق بالا خره به برکناری ژنرال گونسالوس از نخست وزیری انجامید . از آن پس تاکنون نیروهای راستگرا موفق شدند چرخشی اساسی در اوضاع پرتغال بوجود بیاورند و گام به گام از اهداف انقلاب دموکراتیک در پرتغال دور شدند و زمینه سلطه بلا منازع سرمایه داری را فراهم آوردند که بطور عمده نیز میتوان گفت در اینکار موفق شدند . به

ابوالقاسم لاهوتی

### معنی آدم

شاد بمان ای هنری رنجبر  
ای شرف دوره نوع بشر  
ای ز تو آباد جهان وجود  
هیچ نبود ارکه وجودت نبود  
دولت شاهان اثر گنج توست  
راحت اعیان ثمر رنج توست  
گر تو دو روزی ندهی تن بکار  
یکسره نابود شود روزگار  
باعث آبادی عالم توئی  
رنجبر معنی آدم توئی

به اراده رؤسا بستگی دارد ، مشروط می شود . اگر در جامعه طبقاتی نظارت بر توزیع به وسیله مالکان خصوصی انجام گیرد ، انقلاب انتقال مدیریت توزیع را به زحمتکشان که آن را به نوبه خود به افراد با سابقه و مسئولان منتخب شا می سپارند ، امکان پذیر می سازد . تولید غنی در شکل بسیار قدیمی همواره می تواند نیازهای همه اعضای جامعه را تامین کند . از این رو ، به عقیده آنها ، استقرار برابری در هر لحظه تاریخی به محض سربر آوردن فردی بقدر کافی نیرومند و با خرد که خود را وقف رهایی مردم سازد ، امکان پذیر خواهد بود . به زعم مساوات طلبان ، نابرابری ثمره فریب و اغفال مردم است و تنها به موهبت عقل زایل میشود . کمونیسم مساواتی که عیب عمده مالکیت خصوصی را در این می بیند که از زمان تسلط این مالکیت ثروت هانا برادر ، توزیع شده اند ، تملک ثروت ها را هدف اصلی تجدید ساختار اجتماعی اعلام کرده است . امکان دادن به هر کس برای مشارکت در ثروت موجود ، قائل شدن حق موجودیت برای وست . این استدلال پایه درک اشتراک یا برابری ثروتها از دیدگاه کمونیستهای خیالپرداز است .

ف . بوئوناروتی درباره این نوع دریافت ها تعریفی کلاسیک بدست می دهد : اشتراک آنجائی برقرار می شود که شهروند از آنچه که آن را حق مالکیت می نامند چیزی عاید نش نگردد . او فقط حق مصرف و تمتع از اشیائی را خواهد داشت که بر حسب سنت واقع از جانب شهرداری ها به تملک در می آید . در چنین نظم اقتصادی مالکیت همیشه گروهی باقی می ماند . به عقیده بوئوناروتی این نوع اجتماعی شدن مالکیت موجب استقرار برابری بین شهروندان میشود . در این حالت شهروندان مالکیت و ثروت اجتماعی به معنوی مالکیت خصوصی ، بلکه بعنوان عضو برابر حقوق برادر بزرگ کمون ، دولت استفاد خواهند کرد .

- ۱- مارکس و انگلس ، آثار منتخب جلد اسکوص
- ۱- مارکس و انگلس ، مجموعه آثار ج ۸ ص ۵۴۶ (په روسی)
- ۲- مارکس و انگلس ، آثار منتخب ج ۱ ص ۱۴۰
- ۳- پرودون ، مالکیت چیست؟ پژوهش هایی در اصل حقوق و حکومت - پاریس ۱۸۴۱
- ۴- ف . بوئوناروتی - زمینه چینی برای برابری بگفته با بابوف پاریس ۱۹۵۷ ، جلد ۲ صفحه ۹۶
- ۵- همانجا جلد ۱ صفحه ۱۶۳

دنبال پیروزی راستگرایان در انتخابات دسامبر ۱۹۷۹ ، آنها تجدید نظر قانون اساسی و لغو قوانین ملی کردن و ایجاد زمینه برای رشد موسسات خصوصی و غیره را مطرح نمود هاند .

بهر حال انقلاب پرتغال یکی از آخرین رژیم های فاشیسم را در اروپا در هم شکست و زمینه را برای رشد د مکرراتیک کشور فراهم آورد . امروز نیز علی رغم رت گرفتن عناصر راستگرا نیروهای د مکررات و چپ نیز صفوف خود را تحکیم می کنند تا با بسیج توده های زحمتکش بیکار در راه تحولات مترقی و د مکرراتیک را به سرانجام برسانند .

هفته نامه

### اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول : محمود اعتمادزاده به آذین ، تهران ، خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

تلفن ۶۴۴۳۸۴